



Feminine Language and Writing in the Novel “Hajar Al- Dahk” by Hoda Barakat (Review of Lexical and Syntactic Levels)

Alireza shaikhi^{*1}, Narjes Ansari², Mounes shameli³

^{1*} Associate Professor of Arabic Language and Literature Imam khomeini international university, Qazvin, Iran

²Associate Professor of Arabic Language and Literature, Imam khomeini international university, Qazvin, Iran

³MA. Graduated of Arabic language and literature, Imam khomeini international university, Qazvin, Iran

Article Info

Article type:

Research Article

Received:

15/12/2020

Accepted:

02/05/2021

ABSTRACT

Feminine literature is one of the most important subjects of contemporary literary criticism, which was established following the Women's Movement to achieve equal rights with men during the mid-twentieth century. For feminism movement advocates, men are not able to represent women's experiences in their works, thus, considering as critical to express these experiences in the language of women themselves and arguing that women writings differ from those of men, not just from how subjects are expressed, but also by styles and language. Using statistical- descriptive and analytical methods, this research reviews the components of feminine writing in Hoda Barakat's novel "Hajar Al-Dahk" on lexical and syntactic levels. Consistent with this, Hoda Barakat has used intensifiers, hedges, repeated words and color terms within the lexical domains while using simple, short, coordinating, incomplete and interrogative sentences in the form of monologues in the syntactic domains to shape her writing styles, which helped her preserve with her feminine writing components, despite the writing of this novel in the war literature domain. The lost identity of the women in the society has greatly contributed to shaping a specific language, thereby underlying the basis of feminine writing components.

Keywords: Feminine literature, Language and gender, Hoda Barakat, Hajar Al-dahk.

Cite this article: Alireza shaikhi, Narjes Ansari, Mounes shameli (2023) Women's language and writing in the novel “Hajar al- dahk” by Hoda Barakat (study of lexical and syntactic layer), Vol. 14, New Series, No.50, Winter 2023: pages :117-140.

DOI: 10.30479/lm.2021.14732.3167



© The Author(s).

Publisher: Imam Khomeini International University

***Corresponding Author:** Alireza shaikhi (PhD)

Address: Associate Professor of Arabic Language and Literature
Imam khomeini international university, Qazvin, Iran

E-mail: alireza.shaikhi@yahoo.com

زبان و نوشتار زنانه در رمان «حجر الضحک» اثر هدی برکات

(بررسی لایه واژگانی و نحوی)

علیرضا شیخی^{۱*}، نرگس انصاری^۲، مونس شاملی^۳

^{۱*} دانشیار، زبان و ادبیات عربی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی^(ره)، قزوین، ایران

^۲ دانشیار، زبان و ادبیات عربی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی^(ره)، قزوین، ایران

^۳ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی^(ره)، قزوین، ایران

اطلاعات مقاله چکیده

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

دریافت:

۱۳۹۹/۰۹/۲۵

پذیرش:

۱۴۰۰/۰۲/۱۲

ادبیات زنانه یکی از مهم‌ترین موضوعات در نقد ادبی معاصر است که به دنبال جنبش زنان برای دستیابی به حقوق برابر با مردان، در اواسط قرن بیستم شکل گرفت. به عقیده طرفداران جنبش زنان، اصولاً مردان قادر به بازنمایی تجربه‌های زنان در آثار خود نیستند؛ از همین رو، بیان این تجربه‌ها را از زبان خود زنان امری ضروری می‌دانند و معتقدند که نگارش زنان افزون بر نوع بیان موضوعات، در سبک و زبان نیز متفاوت از مردان است. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و همچنین آماری، مؤلفه‌های نوشتار زنانه را در رمان «حجر الضحک»، اثر هدی برکات در دو لایه واژگانی و نحوی مورد بررسی قرار داده است که بر اساس این بررسی، هدی برکات با استفاده از تشدیدکننده‌ها، تردیدنماها، واژگان تکراری و رنگ‌واژه‌ها در حوزه واژگانی و کاربرد جملات ساده، کوتاه و هم‌پایه، جملات نیمه‌تمام و جملات پرسشی به شکل حدیث نفس در حوزه نحوی، سبک نوشتار خود را شکل داده است که علی‌رغم نگارش این رمان در حوزه ادبیات جنگ، توانسته است مؤلفه‌های نوشتار زنانه خود را نیز حفظ نماید. هویت گمشده زنان در جامعه، نقش بسزایی در شکل‌دهی زبان خاص اثر داشته است و چه بسا، اساس مؤلفه‌های نوشتار زنانه در نتیجه این هویت گمشده زنان شکل گرفته باشد.

کلمات کلیدی: نوشتار زنانه، زبان و جنسیت، هدی برکات، حجر الضحک، لایه واژگانی، لایه نحوی.

استناد: شیخی، علیرضا؛ انصاری، نرگس؛ شاملی، مونس. (۱۴۰۱). *زبان و نوشتار زنانه در رمان «حجر الضحک» اثر هدی برکات (بررسی لایه واژگانی و نحوی)*، سال چهاردهم، دوره جدید، شماره پنجاهم، زمستان ۱۴۰۱: ۱۱۷-۱۴۰.

DOI: 10.30479/lm.2021.14732.3167

ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی^(ره)

حق مؤلف © نویسندگان.



۱. مقدمه

رمان روایتگر یک زندگی است؛ تصویری از حقیقت یا قصه‌ای برآمده از ذهن خلاق نویسنده که شخصیت‌های آن، دائم ر حال آزمودن، خطا و انتخاب بهترین‌هاست. در خوانش و تحلیل یک متن ادبی، دو افق در برابر ناقدان ادبی قرار می‌گیرد: «افقی که بافتار متن آن را به نمایش می‌گذارد و دیگری، آن برداشتی است که مخاطب از متن دارد» (عمری، ۲۰۰۹: ۳۲).

با تغییر رویکرد جوامع در قرن نوزدهم و بیستم، زنان به بخشی از تولیدکنندگان ادبیات مبدل شدند که پیرو این تغییر، سبکی جدید در نگارش متون ادبی رخ نمود به نام «نوشتار زنانه». مقصود نگارندگان این جستار، تکیه بر فمینیسم به عنوان یک جریان مساوات‌طلبانه اجتماعی در غرب نیست؛ بلکه سخن از سبک نوشتار زنانه؛ یعنی «نوع روایت و تعبیر از زندگی و حوادث آن از منظر یک نویسنده زن، همراه با بیان ناخودآگاه احساسات اوست» (ملحم، ۲۰۱۶: ۲۱). ادبیات را نمی‌توان بر اساس جنسیت، تقسیم‌بندی کرد و وقتی سخن از بررسی نوشتار زنانه به میان می‌آید، درواقع تنها بررسی تکنیک و شیوه روایت مد نظر است؛ البته ارزش و زیبایی یک متن ادبی، وابسته به جنسیت نیست؛ به عبارت دیگر، یک هنرمند زن می‌تواند احساس و تفکر خود را در قالب صدایی مردانه ارائه نماید و همچنین یک نویسنده مرد نیز می‌تواند با بهره‌گیری از صدایی زنانه، به بیان اندیشه‌های خود بپردازد؛ به عنوان مثال، احسان عبدالقدوس در داستان‌های خود در به تصویر کشیدن احساسات و مطالبات زنان طبقه متوسط مصر، جزء بهترین‌هاست؛ در میان زنان عرب نیز نام‌های پرآوازه‌ای به چشم می‌خورد: غاده السمان، عائشه التیموریه، نازک الملائکه و «می زیاده که یکی از نوابغ ادبیات عربی، مصلح اجتماعی و متفکر به شمار می‌آید و یا فدوی طوقان که در شعر خود از تجارب زنانه در عشق، هیجان و اعتراض سخن می‌گوید» (العلی، ۲۰۱۳: ۱۷). هدی برکات نیز از جمله نویسندگان معاصر لبنانی است که از زبان خاص خود برای پرداختن به موضوعات اجتماعی بهره می‌گیرد. برکات در سال ۱۹۵۲ در خانواده‌ای مسیحی چشم به جهان گشود. وی برنده جایزه بوکر عربی در سال ۲۰۱۹ است. شهرت وی علاوه بر آثار معروفش، مرهون طرفداری از جنبش فمینیسم و روایتگری و سبک خاص وی در نویسندگی است. مشهورترین اثر وی، رمان «حجر الضحک»، روایتی است جدید از جنگ و گفتمان زنانه که مورد استقبال ناقدان و پژوهشگران قرار گرفته است. برکات در رمان «حجر الضحک»، از فضای جنگی لبنان برای روایت داستان خویش بهره برده است؛ ولی در عین حال، از روایت کلیشه‌ای جنگ دوری گزیده و با تکیه بر حوادث داستان، زمینه‌ای مناسب برای اعتراض به شرایط موجود کشور و اصلاح رفتارهای ناپه‌نجار را فراهم ساخته است. پژوهش حاضر تلاش دارد با پیوند میان شکل و محتوا و استخراج مؤلفه‌های زبانی‌ای چون: تشدید کننده‌ها، تردیدنماها، واژگان

تکراری، رنگ‌واژه‌ها و نیز بررسی نوع جملات، نمود نوشتار زنانه را در این اثر- علی‌رغم موضوع آن- تبیین نماید و پاسخگوی سؤالات زیر باشد:

(الف) مؤلفه‌های واژگانی و نحوی در رمان حجر الضحک، چگونه نمود یافته است؟

(ب) ادبیات زنانه در برخورد با موضوع جنگ، چگونه مؤلفه‌های زنانه خود را حفظ کرده است؟

۱-۱. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های ارزشمندی با عنوان سبک و نوشتار زنانه به نگارش درآمده است که به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌کنیم:

مقاله‌ای با عنوان «بررسی گونه کاربردی زبان زنانه در مرثیه معاصر (با تاکید بر مرثیه‌های سعاد صباح)، (۱۳۹۲) از کبری روشنفکر، چاپ‌شده در فصلنامه جستارهای زبانی که نویسندگان در آن با استفاده از آرای محققان جامعه‌شناسی زبان، شعر «سعاد صباح» را در سه سطح واژگانی، نحوی و بلاغی بررسی کرده‌اند. مقاله «تجلیات النسویة و لغتها في أعمال کولیت خوري (ليلة واحدة و أيام معه) منیر روانی بور (دل فولاد و کولی کنار آتش) (۱۳۹۹) از فائزه سواری و دیگران در إضاءات نقدیة که در این مقاله، دو نویسنده از نظر محتوایی، نگاه جامعه به زن، اشتراکات ادبی و اسلوب زبانی مورد تحقیق قرار گرفته‌اند؛ همچنین مقاله «بررسی ویژگی‌های نوشتار زنانه در دو رمان (بامداد خمار) و (چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم)» (۱۳۹۵) از حسین قربان‌پور و رقیه اشکبوس ویشکایی، چاپ‌شده در فصلنامه پژوهش‌های ادبی و بلاغی که در این مقاله، نویسندگان به بررسی مؤلفه‌های نوشتار زنانه و میزان تاثیرپذیری این دو رمان از گرایش‌های فمینیستی پرداخته‌اند. مقاله «واکاوی تکنیک‌های داستانی در رمان فمینیستی «بروکلین هایتس» اثر میرال الطحاوی» (۱۳۹۵) از عبدالاحد غیبی و رویا بدخششان، چاپ‌شده در فصلنامه لسان مبین که در این پژوهش، مضمون، شخصیت‌پردازی، زمان و مکان موردتوجه نویسندگان بوده است؛ اما به‌طور ویژه، در خصوص رمان حجر الضحک و مقالات و پژوهش‌های مرتبط با آن، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

پایان‌نامه‌ای با عنوان «بررسی سبک هدی برکات در داستان حجر الضحک» از فاطمه قربانی (۱۳۸۹) در دانشگاه گیلان که پژوهنده بعد از پرداختن به ادبیات لبنان، ادبیات جنگ، ادبیات نکبت، واقع‌گرایی در داستان جنگ و داستان جنگ داخلی، به بررسی عناصر داستان از جمله پیرنگ، شخصیت، زاویه دید، حادثه، مکان، زمان، لحن، درون‌مایه و سبک پرداخته است؛ همچنین از همین نویسنده، مقاله‌ای با عنوان: «سبک هدی برکات در روایت جنگ (بررسی داستان حجر الضحک)» در مجله انجمن زبان و ادبیات عربی به چاپ رسیده است که نگارنده در این مقاله، به بررسی سبک ادبی این رمان در سه سطح زبانی، فکری و ادبی پرداخته است؛ نویسنده مقاله به شخصیت‌پردازی داستان از طریق واژگان به‌کاررفته، تغییر لحن شخصیت داستان، تعامل با شخصیت‌های حزبی، دگرگونی شخصیت داستان، کشمکش ذهنی،

خوداندیشی قهرمان داستان و بررسی برخی عناصر از جمله: تک‌گویی، بینامتنیت و جریان سیال ذهن پرداخته است؛ اما در مقاله مذکور، هیچ اشاره‌ای به سبک نوشتار زنانه در رمان نشده است. در مقاله «الراوی و حوارية في حجر الضحك» از اکرم روشنفکر، مجله العلوم الانسانية الدولية، (۲۰۱۳)، راوی و نوع گفتگو در داستان، هدف نویسنده بوده است. نویسنده مقاله، گفتگو را ابزار مناسبی برای آگاه شدن از درون افراد می‌داند. در این مقاله نیز اشاره‌ای به موضوع این پژوهش نشده است؛ بنابراین مقاله مذکور، نخستین پژوهشی است که رمان «حجر الضحك» را با محوریت موضوع جنگ، از جنبه سبک و نوشتار زنانه، مورد بررسی قرار داده است.

۲. بحث و بررسی

۲-۱. نوشتار زنانه

ادبیات قلمروی مهم اندیشه است؛ زیرا به وسیله ادبیات است که رازها و ناگفته‌ها آشکار می‌شوند؛ در این میان، «اصطلاح نوشتار زنانه، معرف ویژگی‌های نوشته‌های زنان در نظریه فمینیستی فرانسه است. این اصطلاح بیان می‌کند که نوشته‌های زنان، گفتمانی خاص، نزدیک‌تر با احساس، عواطف و همه آن چیزهایی است که جامعه آن را سرکوب می‌کند (مگی، ۱۳۸۲: ۱۳۶). زنان به وسیله ادبیات، توانستند به عمق و ابعاد مواردی بپردازند که مردان نسبت به آن، هیچ بینش و آگاهی خاصی نداشتند و از طریق ادبیات بود که زنان علیه ظلم و ستمی که قرن‌ها به دست مردان صورت گرفته بود، شوریدند. «دیگر این مردان نبودند که درباره زن در ادبیات سخن می‌گفتند؛ بلکه زنان خودشان از حقیقت، ویژگی‌ها و ذات خود نیز سخن می‌گفتند و این گونه شد که زنان، با جرأت و بدون هیچ گونه پنهان‌کاری از خود نوشتند» (راغب، ۲۰۰۳: ۶۵۲). دیدگاه‌های «هلن سیکسو، لوس ایریکاری و ژولیا کریستوا نیز با الهام از اندیشه‌های زبان‌شناسانی مانند ژاک لاکان و دریدا، آرای این مکتب را غنای دوچندان بخشید» (حسن‌زاده دستجردی و موسوی‌راد، ۱۳۹۳: ۵۲) و برای زنان، زبانی متفاوت از زبان مردان قائل شدند که «شوالتر برای نخستین بار از آن، با عنوان نوشتار زنانه یاد کرد.» (سلدن، ۱۹۹۸: ۱۰۲) شوالتر و دیگران درصدد بودند تا «تاریخ ادبیات جدیدی از زن بسازند که نقش و اهمیت ادبیات زنانه در آن آشکار گردد و جهان داخلی، از جمله شخصیت و عاطفه آنان بارز گردد» (محمود خلیل، ۲۰۰۳: ۱۳۵). طرفداران این مکتب، مطالعات ادبیات و هنر زنانه یا به عبارت دیگر، زنانگی در نوشتار و شناسایی مؤلفه‌های فرمی و مضمونی به کار گرفته شده در متون زنان را ضروری می‌شمارند و بر ضرورت یافتن راه‌هایی برای بیان تجربه‌های خاص زنان، تأکید می‌کنند. نوشتار زنانه، علاوه بر نوع مضمون متفاوت، از نظر سبک زبانی نیز متمایز از نوشتار مردانه توصیف شده است. نوع آوا، واژگان و سبک نحوی، شکل خاصی به زبان زنان می‌بخشد که پژوهشگران آن را ناشی از روحیه و نوع تفکر آنان می‌دانند؛ به عنوان مثال، «زنان نسبت به مردان از صورت‌های عاطفی کلام (صفات و

نه اسامی و فعل‌ها و مانند آن‌ها)، بیشتر استفاده می‌کنند و بیشتر از مردان، از کلماتی که عدم قطعیت را می‌رسانند، بهره می‌برند؛ همچنین زنان در تشخیص و توصیف رنگ‌ها نسبت به مردان دقیق‌تر هستند، زنان نسبت به مردان از ادات دستوری استفاده می‌کنند و از ناسزاگویی اجتناب می‌ورزند» (لیکاف، ۱۹۹۰: ۱۲) و خصوصياتی دیگر که در ادامه ذیل هر عنوان، تبیین خواهند شد.

۲-۲. بررسی مؤلفه‌های نوشتار زنانه در رمان «حجر الضحک»

تفاوت‌های بیولوژیکی زن و مرد از یک سو و نقش‌های متفاوتی که جامعه و فرهنگ به هریک از آن‌ها بخشیده، سبب شده است تا هر یک، زبان مخصوص به خود را پیدا کنند. بررسی زبان‌شناسان بر روی زبان مردان و زنان نشان می‌دهد که زبان آنان از جهات آوایی، واژگانی، نحوی و محتوایی متمایز است که در این پژوهش، تنها لایه واژگانی و نحوی بررسی خواهد شد.

۲-۲-۱. لایه واژگانی

واژگان در زبان خنثی نیستند؛ بلکه از لحاظ تاریخی، فرهنگی و ایدئولوژیک مفاهیم زیادی دارند. «بنا به گفته میخائیل باختین، سرنوشت واژه‌ها مانند سرنوشت و عاقبت جامعه است؛ این واژه‌ها هستند که جدال میان افراد جامعه را بیان کرده و مدام در حال تغییرند و با امانت کامل، تحولات جامعه را منعکس می‌کنند.» (به‌نقل از صیادی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۲۳۱) در لایه واژگانی، استفاده از واژگان تکراری، **دشوآژه‌ها**، تردیدنماها، سوگندواژه‌ها، رنگ‌واژه‌ها و تشدیدکننده‌ها، مشخصاتی است که نوع و میزان کاربست آنان، در زنان و مردان متمایز از یکدیگر است.

۲-۲-۱-۱. تکرار

زبان‌شناسان معتقدند که زنان نسبت به مردان، از واژگان تکراری بیشتری استفاده می‌کنند که دلیل آن را کم بودن دایره واژگانی زنان عنوان می‌کنند. گزینش واژگان، یکی از عناصر مهمی است که می‌تواند ویژگی سبکی نویسنده را تعیین کند. «سپرسن» در زمینه دایره واژگان، معتقد است که «گنجینه لغات مردان بیشتر از زنان است؛ زیرا زنان تنها در حوزه مرکزی زبان گام برمی‌دارند؛ اما مردان اغلب اصطلاحاتی را عوض یا جایگزین می‌کنند و یا حتی اصطلاحاتی جدید می‌سازند» (به‌نقل از نجفی عرب و بهمن مطلق، ۱۳۹۳: ۱۳۹) از سویی، زنان مدام به ذکر جزئیات می‌پردازند که این مساله نیز نمی‌تواند دور از انتظار باشد که در میان توصیف جزئیات، کلام تکراری به کار برند.

واژه‌های به‌کار گرفته در رمان «حجر الضحک»، بیشتر حول محور خانه، دل‌مشغولی‌های زنان، پخت و پز، آشپزی و ... است که متناسب با روحيات زنانه و موضوع رمان است. برکات در مجموع (۱۳۴)

مرتبه) از کلمات تکراری استفاده کرده است که از این مجموع، (۱۰۶۸ مرتبه) از زبان نویسنده و شخصیت زن و (۶۶ مرتبه) از زبان شخصیت مرد بیان شده‌اند. این آمار خود به خوبی نشان‌دهنده استفاده زیاد زنان از واژگان تکراری است؛ نویسنده این ویژگی را حتی در شخصیت‌های داستان به خوبی رعایت کرده است و هر کجا که مرد لب به سخن می‌گشاید، چندان از کلمات تکراری استفاده نمی‌کند؛ ولی غالب کلام زنان با واژگان تکراری همراه است. واژه «بیت» نیز یکی دیگر از واژگان تکراری با (۱۵۲ مرتبه) تکرار است؛ همچنین واژه «غرفه و باب» به ترتیب (۱۲۵ و ۱۰۱ مرتبه) که در جای‌جای رمان حضور دارد. «تعیش منذ زمن، هانئة، في ذلك البيت الصغير. تتحول غرفة خليل، بعد الحروب، إلى بيت صغير ولا يعود ينقصها... (بركات، ۱۹۹۸: ۱۴) ما الذي يفقده البيت تحديداً حين يتكره ساكنوه فارغاً؟... بدا البيت خالياً تماماً... فقط سجاداته التي ارتفعت، بعد نهاية الربيع إلى زوايا الغرف الداخلية، جعلت مناخ البيت أكثر إسراعاً من الوقت العمومي...» (همان: ۲۲)

خانه محیطی امن برای زن و جایی است که زن بیشترین وقت خود را در آن سپری می‌کند؛ نویسنده این محدودیت را دقیقاً در رمان خود به تصویر می‌کشد. استفاده فراوان از چنین واژگانی، بیان‌کننده نقشی است که جامعه به زن می‌بخشد. یکی از امور مهم برای زن، نظافت است و شاید اگر نویسنده این رمان، مرد بود به ندرت و شاید هرگز از این واژه‌ها استفاده نمی‌شد؛ البته برخورداری شخصیت خليل از خصوصیات زنانه، بی‌تأثیر در کاربرد این نوع از واژه‌ها نیست:

«كل مرة تضع فيها الحرب ما أوزارها، تكبر حاجة خليل إلى الترتيب والنظافة... بعد المعارك تعود غرفة خليل إلى حال من النظافة والانتعاش...» (همان: ۱۳)

علاوه بر این واژگان، می‌توان از تکراری بودن کلماتی مانند (انفجار و قصف) نیز نام برد که با توجه به موضوع رمان، بسامد فراوان آن، دور از انتظار نیست. به نظر می‌رسد واژگان زنان بیشتر از محیطی که در آن به سر می‌برند و همچنین انتخاب مکان‌های بسته در رمان تأثیر پذیرفته است و به همین دلیل، واژگان آن‌ها تنوع چندانی ندارد. دایره واژگان به کار رفته در این داستان، حول محور خانه است و دل‌مشغولی‌های زنانه؛ یعنی بیشترین مکانی که زن وقت خود را در آن سپری می‌کند و در واقع، محیط محدود، سبب کاربرد واژگان محدود نیز می‌شود. نقشی که جامعه سنتی و فرهنگ به زنان داده است، در شکل‌گیری هویت آنان مؤثر بوده است و در حقیقت، حضور در مکان‌های متفاوت، مشغله‌های متفاوتی را به همراه آورده است که با تنوع موضوعی، موجب تنوع واژگانی نیز می‌گردد. نویسنده حتی در موضوع جنگ - که ادبیات و زبان خاص خود را می‌طلبد - مؤلفه‌های نوشتار زنانه را حفظ کرده است و به موضوع جنگ، نگاه کلیشه‌ای ندارد و به‌طور مستقیم وارد موضوع جنگ و عواقب مربوط به آن نمی‌شود؛ بلکه با روش و نگاهی دیگر به این موضوع می‌پردازد. موضوع رمان با محوریت جنگ، سبب شد تا بار دیگر نویسندگان زن نشان

دهند که موضوع هرچه که باشد، تأثیری در روند نوشتاری آنان نخواهد داشت؛ بلکه فقط سبب می‌شود برای پدیدار شدن نوشتار زنانه، قالبی نو فراهم آورند.

۲-۲-۱-۲. رنگ‌واژه‌ها

از آنجا که زنان تمایل بیشتری به بیان جزئیات دارند، در توصیف زیبایی‌ها و احساسات نیز از واژه‌های متنوع‌تری استفاده می‌کنند. «نگارش جزئیات یک اتفاق یا یک صحنه و دقت در ریزه‌کاری‌های امور، از ویژگی‌های نگاه و نوشتار زنانه است.» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۴۱۴) جزئی‌نگری زنان در انتخاب رنگ‌ها نیز مؤید این کلام است. از نظر لیکاف، زنان در تشخیص رنگ‌ها بیشتر از مردان دقت می‌کنند؛ زن‌ها برای هر رنگی، طیف‌های گوناگونی را در نظر می‌گیرند. لیکاف معتقد است «این تفاوت در نحوه کاربرد رنگ‌ها از سوی زنان و مردان، می‌تواند به این سبب باشد که در جامعه ما، مردان فقط به موضوعات کاری و سیاسی و اجتماعی علاقه دارند و مسائل جزئی و پیش‌پاافتاده را به عهده زنان می‌گذارند. (محمودی بختیاری و دهقانی، ۱۳۹۲: ۵۴۷)؛ البته این تمایز بین رنگ‌ها، چه‌بسا افزون بر ویژگی‌های روحی و روانی زنان، ناشی از سیستم متفاوت بینایی در آنان نیز باشد.

برکات به‌وفور از رنگ‌ها استفاده کرده است که می‌تواند نشان‌دهنده جزئی‌نگری نویسنده باشد. گویی او تمایل زیادی دارد تا همه چیز را با جزئیات کامل بیان کند؛ هر کجا که خود نویسنده (دانای کل) به حکایت داستان می‌پردازد - به‌خصوص در اوایل داستان در توصیف شخصیت‌ها- از رنگ واژه‌ها بسیار استفاده می‌کند؛ مانند رنگ‌های بلوطی، عسلی، شرابی، طلایی، برونزی، روغنی، فسفری، گندمی، خاکستری متمایل به نیلی، سفیدی متمایل به زرد و ...

«فللخلیل عینان واسعتان ضاعتا اللون بین الذهبی والأخضر» (برکات، ۱۹۹۸: ۱۵) وراء الفوتیل الكبيرة إطار خشبي باللون البرنزوي» (همان: ۱۹)

برکات در مجموع، (۱۹۷ مرتبه) از رنگ‌واژه‌ها استفاده کرده است که این رقم نسبتاً بالایی است که از ریزینی نویسنده حکایت دارد و به‌خوبی نشان می‌دهد که وی، طبق اصول مؤلفه‌های نوشتار زنانه پیش رفته است. این آمار به یکی از ویژگی‌های زبانی آثار زنان؛ یعنی توصیف و جزئی‌نگری اشاره دارد که در رمان «حجر الضحک» نیز این ویژگی بسیار برجسته می‌نماید. نویسنده با ورود به هر صحنه، سعی دارد تا جزئی‌ترین چیزها را به تصویر کشد؛ توصیف دقیق رنگ‌ها که گرچه از نظر برخی ممکن است چندان مهم نباشد؛ ولی از نگاه نویسنده بسیار مهم و اساسی به نظر می‌رسد که از نکته‌سنجی زنانه حکایت دارد. ذکر دقیق و جزء به جزء رنگ‌ها در رمان، می‌تواند فواید تاریخی نیز داشته باشد؛ زیرا نویسنده در اثر خود به نکات کوچکی اشاره می‌کند که شاید بسیار ساده و بی‌ارزش به نظر آیند؛ ولی سال‌ها بعد خوانندگان این اثر به‌شیوه زندگی اقوام مختلف، آداب و رسوم و دکوراسیون اتاق‌هایشان نیز پی خواهند برد.

در جوامع مردسالار، فعالیت مردان در امور سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، و ... سبب شده است تا در امور، اثرگذار و تصمیم‌گیرنده باشند و از این رو، فرصت چندانی برای پرداختن به امور جزئی نداشته باشند؛ ولی در مقابل، اموری چون: خانه‌داری، آشپزی، پخت و پز، و ... نقشی است که جامعه و فرهنگ به زنان سپرده است. نوع نگاه کلان‌نگر مردان به مسائل، زبان خاصی را می‌طلبد که آن را از زبان زنان متمایز می‌کند؛ لذا می‌توان گفت چه‌بسا تفاوت‌هایی که امری عامدانه، انتخابی و آگاهانه نیستند، بلکه ناشی از تفاوت‌های روحی، جسمی و مسؤولیتی دو جنس هستند که از این منظر، کاملاً طبیعی است.

۳-۲-۱. دشواژه‌ها (واژه‌های تحریم‌شده)

دشواژه‌ها آن دسته از صورت‌های زبانی هستند که جامعه و فرهنگ، ذکر آن‌ها را ناشایست تلقی می‌کند و چه‌بسا، کاربرد نابجای آن‌ها، موجب از دست رفتن موقعیت اجتماعی فرد گردد. زنان سعی می‌کنند در کلام خود بیشتر از گونه‌های زبانی معتبر و رسمی استفاده کنند؛ اما در مقابل به نظر می‌رسد مردان علاوه بر آن، از زبان غیرمعتبر نیز بهره زیادی می‌برند و به‌همین دلیل، گویش‌های عامیانه در زبان مردان بیش از زنان یافت می‌شود و این گونه زبان‌ها اگر در سخن زنان یافت شود، نوعی فراهنجاری زبانی به شمار می‌رود. حالت رسمی در کلام زنان، «به سبب موقعیت اجتماعی آن‌هاست که سبب می‌شود از گونه‌های معتبر زبان استفاده کنند؛ زیرا آنان در برابر عادات مسلط، محکوم به اطاعت هستند» (کالوه، ۱۹۹۶: ۸۲) به بیان دیگر، «زنان از اشکال و ساختارهای کهنه و خالص‌تری بهره می‌برند و بیشتر از زبان معیار استفاده می‌کنند» (نجفی عرب، ۱۳۹۴: ۲۵)؛ از طرفی دیگر، می‌توان به این مسأله نیز اذعان داشت که «زبان معیار با تمدن، رابطه مستقیمی دارد و چون زنان دوست دارند خود را متمدن نشان دهند، سعی می‌کنند خود را به زبان معیار نزدیک سازند و همین تمایل سبب می‌شود تا از زبان محتاط‌تری نسبت به مردان استفاده کنند.» (لیپز، ۱۳۹۳: ۴۰۱). لیکاف نیز معتقد است «از همان ابتدا به دختران و پسران یاد می‌دهند که دو گونه گفتاری داشته باشند، به دختران گونه گفتاری مؤدبانه و به پسران خارج از این گونه القا می‌شود.» (محمودی بختیاری و دهقانی، ۱۳۹۲: ۵۵۰)

برکات در مجموع، (۲۷ مرتبه) از دشواژه‌ها استفاده کرده و ترجیح داده است غالب این واژه‌ها از زبان شخصیت مرد بیان شود تا زن. این دشواژه‌ها ۱۶ مرتبه از زبان مرد، ۴ مرتبه از زبان زن و ۸ مرتبه هم از زبان مؤلف بیان شده است:

إن أباهم متعصب كثر (برکات، ۱۹۹۸: ۱۲) لماذا كنت مسرعاً يا حيوان (همان: ۱۸۱) هذه المرأة حمارة (همان:

(۲۲۳)

در جوامعی که استفاده از این واژه‌ها را برای زنان مناسب نمی‌دانند، شاید نویسنده نتوانسته یا نخواسته است زبانی به کار ببرد که در عرف مرسوم است و این گونه خواسته سنت‌شکنی کند؛ از طرف دیگر، از

آنجا که او از جمله نویسندگان فمینیست است که با هدف ارتقای جایگاه زنان و برتری بر جامعه مردسالاری، پا به عرصه نویسندگی گذاشته است، شاید این گونه سعی داشته تا شخصیت و روحیه زنان را مانند مردان تصور کند؛ به عبارتی دیگر، می‌خواهد بیان کند که زنان صرفاً افرادی منفعل نیستند تا بخواهند طبق خواسته‌های جامعه پیش بروند و شاید نویسنده این گونه خواسته است تا قهرمانان داستان خود را متفاوت از آن چه عرف آن را معرفی کرده، به همگان بنمایاند. هدی برکات با استفاده بی‌باکانه از تابوهای اجتماعی، می‌خواهد از اوضاع فرهنگی و اجتماعی خود شکایت کند و حق خود را از جامعه و فرهنگ بگیرد. تقریباً تمام شخصیت‌های زنی که نویسنده - به جزء کلود - برگزیده است، همگی از قشر پایین جامعه هستند که در همان حد از ارزشی که جامعه برای زنان قائل شده است، باقی مانده‌اند. شاید دلیل استفاده همین میزان از دشواژه‌ها نیز به دلیل پایین بودن سطح تحصیلات و فرهنگی زنان داستان باشد که این اصطلاحات، برای آنان فحش رکیک محسوب نمی‌شود.

۴-۲-۱. بررسی سوگندواژه‌ها

از نظر زبان‌شناختی، «بروز خشم و شرح اعتراض و دادخواهی از سوی فردی که هتک حرمت شده با برخی پدیده‌های فرازبانی مانند: بلندی صدا، تکیه اغراق‌آمیز روی کلمات و کشیدن مصوت‌های بعضی کلمات کلیدی، همچون خدا و قرآن همراه است.» (نجفی عرب و بهمنی مطلق، ۱۳۹۳: ۱۳۱) پژوهش زبان‌شناسان حکایت از این دارد که مردان نسبت به زنان، بیشتر از سوگندواژه‌ها استفاده می‌کنند. وقتی گوینده با تردید یا انکار مخاطب مواجه می‌شود، ناگزیر از سوگند برای اثبات سخن خود بهره می‌گیرد؛ البته در رمان «حجر الضحک»، قسم کاربرد چندانی ندارد؛ تنها ۵ مورد قسم یافت شد که سه مورد آن از زبان شخصیت مرد و دو مورد دیگر از زبان شخصیت زن، بیان شده است.

کلود: «فلیدمر ویفجر ویستشهد فی بلده...والله مسخرة....والله هذه وقاحة لیذهب ویتکلم إلیک فی الجریده ...» (برکات، ۱۹۹۸: ۱۱۰) ندیم: «بعد قليل قال ندیم: والله یحبون بیروت کثیراً...» (همان: ۱۱۱)

هدی برکات در کاربرد سوگندواژه‌ها، تمایل چندانی به استفاده از قسم از خود نشان نداده است. نکته قابل تأمل این است که چرا با وجود این که مردان از نظر منزلت اجتماعی، در موقعیت بالاتری قرار دارند، برای اثبات سخن خود بیشتر از زنان از قسم استفاده می‌کنند؟ این گونه به نظر می‌رسد که بین کاربرد قسم در مردان و خلق و خوی آن‌ها، رابطه متقابلی وجود داشته باشد؛ البته در خصوص سوگندواژه‌ها در این اثر باید به شخصیت و دین مؤلف نیز اشاره کرد؛ مؤلف یک مسیحی مارونی است که در جامعه لبنان، جزء اقلیت‌های مذهبی به شمار می‌رود. یکی از ویژگی‌های پیروان آیین مسیحیت، جایگاه مقدس «قسم» است که تنها در موارد بسیار اندکی چون شهادت در دادگاه و یا کسب تابعیت کشور دیگر و یا در مراسم خاکسپاری به کار می‌رود؛ دیگر آنکه موارد قسم خوردن در مسیحیت، شامل خدا و روح القدس می‌شود،

در حالی که در جوامع سنتی مسلمان، قسم خوردن و قسم دادن، مطلبی رایج در محاورات است که یک مسلمان در اثبات حرف خود به قرآن، پیامبر، کعبه، قبله، ائمه طاهرین، شهیدان واقعه کربلا و... سوگند یاد می‌کند. مضاف بر این بُعد مذهبی، هدی برکات به عنوان یک فمینیست که برای مذهب در روابط اجتماعی، نقشی قائل نیست، طبیعتاً به‌طور ناخودآگاه به سوی مسائل مذهبی نیز نمی‌رود.

۵-۱-۲. تشدیدکننده‌ها

با عنایت به این که سخن و کردار جنس مونث در یک جامعه مردسالار اعتبار پایین‌تری نسبت به جنس مذکر دارد - البته می‌توان به جایگاه مساوی شهادت دو زن در برابر یک مرد یا بحث دیه و یا ارث بردن و ... هم استناد کرد- برای اثبات حقانیت کلام خویش، نیازمند تکیه بر واژه‌های تأکیدی، تکرار و... است. زنان بدان سبب که در جامعه موقعیت متزلزلی دارند، سعی می‌کنند با زبان گفتاری و نوشتاری، موقعیت مستحکم‌تری در جامعه پیدا کنند.

نویسنده در مجموع (۳۱۵ مرتبه) از تشدیدکننده‌ها استفاده کرده است که از این مجموع، (۲۵۲ مرتبه) از زبان خود نویسنده به عنوان دانای کل، (۵۴ مرتبه) از زبان شخصیت مرد و (۹ مرتبه) از جانب شخصیت زن، در داستان مطرح شده است.

هدی برکات از تشدیدکننده‌هایی مانند: «تماما» (۶۰ مرتبه)، «دائماً» (۳۳ مرتبه)، «فقط» (۵۵ مرتبه)، «جدا» (۴۸ مرتبه)، «کثیرا» (۵۳ مرتبه)، «ابدا» (۱۷ مرتبه)، «خاصه» (۳ مرتبه)، «جیدا» (۱۵ مرتبه)، «مطلقاً» (۸ مرتبه)، «بالضبط» (۳ مرتبه)، «حتماً» (۲ مرتبه)، «لاشک» (۱ مرتبه)، «طبعاً» (۲ بار)، «الی حد بعید» (۱ مرتبه)، «الی الأبد» (۸ مرتبه)، «محض» (۱ مرتبه)، «جمیعاً» (۱ مرتبه)، «کاملاً» (۱ مرتبه) و «اصلاً» (۳ مرتبه) در داستان خود استفاده نموده است.

نایف: «إنهم مجانين..مجانين تماماً..مالذي يحدث للناس...» (برکات، ۱۹۹۸: ۱۲) «طلع یريد أن یری غرفة ناجي الذي طالت غيبته كثيراً وأن یرتب الغرفة....» (همان: ۴۱) «لم يتوقف القصف سوى منذ ساعات، لذا تعجب خليل كثيراً حين رای علی حيطان الأبنية المتلاصقة صور الفتيان الجدد....» (همان: ۴۸)

استفاده فراوان از تشدیدکننده‌ها، می‌تواند به سبب اعتماد به نفس پایین زنان باشد. از آنجا که زنان از موضع قدرت به شکل قطعی سخن نمی‌گویند، از این رو ترجیح می‌دهند با تشدیدکننده‌ها کلام خود را مهم جلوه دهند تا سخن آنان از جانب جامعه مورد پذیرش قرار گیرد. جامعه و فرهنگ در پایین آمدن اعتماد به نفس زنان، نقشی بسزا دارد؛ از طرفی از آنجا که زنان جزئی‌نگرند و همه چیز را با ظرافت و دقت خاصی توصیف می‌کنند، به همین دلیل می‌خواهند شدت و ضعف هر چیزی را نیز به طور دقیق بیان کنند. شاید ظرافت و حس زنانه، سبب بهره‌گیری بیشتر از تشدیدکننده‌های کلامی باشد.

۶-۱-۲-۲. تردیدنهاها

تردیدنهاها، صورت‌های زبانی هستند که عدم اطمینان و تردید گوینده را در مورد موضوعی بیان می‌کنند. «کارلی» محیط اجتماعی را در این گونه شیوه‌های تردیدنها بسیار مؤثر می‌داند؛ او دریافت که «زنان هنگام سخن گفتن با هم جنس خود، به ندرت احتمال دارد از عبارات تردیدآمیز استفاده کنند و برعکس هنگام گفتگو با مردان، بیشتر از مردان این احتمال وجود دارد که از شیوه تردیدآمیز در سخن خود استفاده کنند.» (ماتلین، ۱۳۹۰: ۲۱۳)

با بررسی صورت گرفته، مشخص می‌شود که نویسنده در مجموع، (۱۱۵ مرتبه) از تردیدنهاها استفاده کرده است که (۱۶ مرتبه) از سوی شخصیت مرد و (۹۹ مرتبه) از زبان نویسنده و شخصیت زن بیان شده است؛ از جمله تردیدنهاهایی که نویسنده از آن استفاده کرده است، عبارتند از: «ربما» (۴۹ مرتبه)، «أحياناً» (۲۰ مرتبه)، «لعل» (۶ مرتبه)، «يبدو» (۲۸ مرتبه)، «غالباً» (۶ بار) «تقريباً» (۳ مرتبه)، «ممکن»، «عسى»، «فى التحسب»، هر کدام (۱ مرتبه).

«ربما السر في تناسق جسد ناجي، أو ربما هو في طريقة الست إيزابيل في غسل الثياب وكتّها، وطّيها....» (بركات، ۱۹۹۸: ۹) «ولكن... إلى أي درجة يكون البريء بريئاً بالفعل... أحياناً نزرع في رأسنا أوهامنا لحاجتنا لتلك الأوهام.. لكن يا خليل اسمعني جيداً....» (همان: ۶۰)

استفاده از تردیدنهاها را می‌توان این‌گونه تحلیل نمود که چون زنان دارای ویژگی مشارکت و هم‌دلی هستند، به همین دلیل نمی‌خواهند همیشه سخن آن‌ها رنگ و بوی قطعیت به خود بگیرد. به نظر می‌رسد مؤلف این شیوه را برگزیده تا بین خود و مخاطب، احساس همدلی ایجاد کند. اعتماد به نفس پایین و محتاط بودن زنان نیز می‌تواند دلیلی دیگر باشد بر استفاده فراوان نویسنده از تردیدنهاها و قطعاً فرهنگ و جامعه نیز نقشی بسزا در این زمینه دارند؛ چه بسا که مردان حتی اگر در مورد مسأله‌ای هم تردید داشته باشند، سخن خود را به شکل قطعی بیان می‌کنند تا نشان دهند به کلیه امور، بدون هیچ‌گونه تردیدی، آگاهی کامل دارند.

۲-۲-۲. لایة نحوی

نوع جمله‌ها از نظر نحوی در ساختار جمله‌های زنان و مردان، اساساً با هم تفاوتی ندارند؛ بلکه تفاوت در میزان کاربرد آن‌هاست. «زنان بیشتر از جمله‌های ساده، هم‌پایه، پرسشی، وجه عاطفی، حذف، قطع جمله‌ها و... استفاده می‌کنند» (فتوحی، ۱۳۹۲: ۴۰۷).

۱-۲-۲-۲. بررسی جمله‌های ساده، کوتاه و هم‌پایه

ویژگی بارز داستان «حجرالضحک»، ساده‌نویسی است؛ این ویژگی امکان ارتباط بهتر و بیشتر نویسنده را با مخاطب فراهم می‌کند که حاصل کاربرد ساختارهای دستوری ساده، توصیف‌های آسان و همچنین اقلام واژگانی عام و تکراری متناسب با فضا و ذهنیت زنانه است. خوانندگان رمان نیز این‌گونه سبک را بهتر می‌پسندند و گرایش بیشتری به خواندن رمان‌هایی دارند که با سبکی ساده نوشته شده‌اند. در رمان «حجرالضحک» با وجود جزئی‌نگری‌های زنانه، ترکیب‌های پیچیده و مبهم به چشم نمی‌خورد و با بررسی فقط یک فصل از پنج فصل رمان نیز به خوبی این نکته تأیید می‌شود که زنان چندان تمایلی به استفاده از جملات پیچیده، طولانی و وابسته ندارند.

هدی برکات در فصل اول، (۴۵۱) جمله به کار برده است که از این میزان، (۳۴۳) مرتبه از جملات ساده و هم‌پایه و (۱۰۸) مورد نیز از جملات وابسته استفاده کرده است. از آنجا که جملات ساده و هم‌پایه، هردو از ویژگی‌های نوشتار زنانه است؛ پس می‌توان نتیجه گرفت که نویسنده از جملات ساده، سه برابر بیشتر از جملات پیچیده استفاده کرده است.

«ثم قال له: لماذا لا تخرج؟ قال الشاب: أنت لا تفهم شيئاً. قال خليل: بلى أنا أعرف.....آخ. أخذ يصرخ الشاب. آخ إني أتألم كثيراً. إنه يخرج منك أجابه خليل. الألم يخرج منك. قال الشاب كأنه لم يسمع». (برکات، ۱۹۹۸: ۱۸۸)

این‌گونه ادعا شده است که عدم توانایی زنان در بیان و پردازش ذهنی جملات پیچیده، نمی‌تواند تنها دلیل گزینش این نوع جملات باشد؛ توصیف و جزئی‌نگری زنان از یک طرف و حس مشارکت و هم‌دلی آنان، از طرف دیگر سبب گشته است تا به این گونه از جملات روی بیاورند. زنان در یک مکان و زمان محدود، چیزهای کوچک زیادی را رصد می‌کنند که همین امر، سبب کوتاه شدن جملات می‌شود. نویسنده با گزینش جملات کوتاه، قصد دارد مخاطب را با خود همراه کند. شاید نویسندگان زن گمان می‌کنند اکثر زنان با توجه به روحیات خاصی که دارند، ترجیح می‌دهند کلامی را برگزینند که ساده باشد و جذابیت این گونه کلام‌ها خیلی بیشتر از کلام‌های پیچیده است.

۲-۲-۲. کاربرد جمله‌های پرسشی

لیکاف در مورد استفاده زنان از جملات پرسشی، می‌گوید: «زنان در پاسخ به یک پرسش ممکن است پاره‌گفتاری خبری تولید کنند که به جای اینکه دارای الگوی آهنگ افتانی باشد که یک اظهارنظر قاطع را همراهی می‌کند، دارای الگوی آهنگ خیزانی باشد که معمولاً یک جمله پرسشی را همراهی می‌کند. به‌نوشته لیکاف، زنان بدین دلیل این کار را انجام می‌دهند که کمتر از مردان به خودشان و افکارشان اطمینان دارند. او می‌گوید به همین دلیل هم زنان اغلب به گفته‌هایشان، پرسش‌های کوتاه دنباله‌ای اضافه می‌کنند؛ برای نمونه، (آن‌ها دزد را هفته پیش گرفتند، نگرفتند؟) (به نقل از محمودی بختیاری و دهقانی، ۱۳۹۲: ۵۴۹)

همچنین لیکاف معتقد است «زنان بیشتر از جملات پرسشی، تاییدی و ضمیمه‌ای استفاده می‌کنند. مانند: این کاملاً درست است، اینطور نیست؟ وی معتقد است این مسأله، نشان‌دهنده عدم اقتدار زن و بهره‌گیری او از زبانی منطبق با جامعه است که در آن، نابرابری‌های اجتماعی وجود دارد.» (به نقل از لاند، ۱۳۸۸: ۴۸) نویسنده به شیوه خودپرسشگری قهرمان داستان خواسته است تا همدلی و همراهی خواننده را با خود داشته باشد. در این داستان، نویسنده به وفور از خودپرسشگری قهرمان داستان استفاده کرده است.

برکات در مجموع، (۲۴۰ مرتبه) از جملات پرسشی مختلف استفاده کرده است که این جملات پرسشی، (۴۸ مرتبه) از زبان نویسنده، (۱۰۲ مرتبه) از زبان شخصیت مرد داستان و (۱۴ مرتبه) از زبان شخصیت زن و (۷۶ مرتبه) از سوی قهرمان داستان بیان شده است؛ در نتیجه می‌توان گفت کلمات پرسشی در مجموع، (۱۷۸ مرتبه) از زبان شخصیت مرد و (۶۲ بار) هم از زبان نویسنده و شخصیت زن جاری شده است. نویسنده از کلمات پرسشی «کیف» (۳۰ بار)، «هل» (۴۷ بار)، «ماذا» (۲۹ بار)، «من» (۱۵ بار)، «ما» (۲۲ بار)، «ای، آیه» (۱۰ بار)، «لماذا» (۴۲ بار)، «أ» (۱۱ بار)، «من أين» (۶ بار)، «أین» (۵ بار)، «کم» (۴ بار)، «بم» (۲ بار)، «بماذا» (۴ بار)، «إلی أين» (۱ بار)، «متی» (۴ بار)، «کیفما» (۲ بار)، «لمن» (۱ بار)، «هلا» (۲ بار)، «أینما» (۱ بار)، «منذ متی» (۱ بار) و «الی ای» (۱ بار) استفاده کرده است.

«قال نایف.. لماذا لا تحضر فراشاً من شقة صديقك من فوق... ناجي أ لست تملك مفتاح الشقة؟ شعر خلیل بانقباض حاد في معدته....» (برکات، ۱۹۹۸: ۵۹) «ألم تسأل نفسك يوماً لماذا قتلوه، أي لماذا اختاروه دون غيره؟ أ لم تسأل مثلاً لماذا كانت مشاويره كثيرة إلى هذه الدرجة بين منطقتين..... لماذا ناجي؟ هه؟ لماذا ناجي.....؟» (همان: ۶۱)

آمار موجود، استفاده نسبتاً زیاد نویسنده از الگوهای پرسشی را نشان می‌دهند که پایین بودن منزلت اجتماعی و کمی اعتماد به نفس زنان، در استفاده از این نوع سخنان، بی‌تاثیر نیست؛ ولی نکته قابل توجه، استفاده بیشتر شخصیت مرد از کلمات پرسشی نسبت به زنان است که به نظر می‌رسد پرسش مردان با هدف عدم آگاهی آنان صورت نگرفته است؛ بلکه به نوعی در پی ایجاد کلام رقابتی بوده‌اند.

خودپرسشگری از جمله الگوهای پرسشی این رمان است که نویسنده این شیوه از پرسش را در شخصیت اصلی داستان خود گنجانده است؛ گویی نویسنده قصد داشته صداهای فروخورده او را بیرون کشد تا خواننده از آن چه درونش می‌گذرد، باخبر شود؛ همین امر نشان‌دهنده همراهی و صمیمیت قهرمان داستان با مخاطب است. گویی نویسنده ترجیح می‌دهد بین قهرمان داستان و خواننده، مشارکت ایجاد کند تا رقابت و درست است که قهرمان داستان، مرد است؛ ولی هدی برکات برای مدتی به قهرمانش، روحیه زنانه می‌دهد، قهرمانی که میل در کلام مشارکتی دارد نه رقابتی.

«ماذا يريد نایف؟/ علی فکره قال نایف، لقد أوصانی الأستاذ بالسلام عليك... / ماذا يريد نایف؟/ سكب لنفسه فنجاناً ونسي أن يسكب واحداً لخليل ماذا يريد نایف؟...» (همان: ۱۷۵)

خلیل با تکرار این سؤال که «ماذا یزید نایف» چه هدفی را دنبال می‌کند؟ به نظر می‌رسد خودپرسشگری نویسنده بدان سبب است که می‌خواهد ذهن مخاطب را نیز درگیر ماجرا کند تا مخاطب خود نیز جویای جواب سؤال باشد. خلیل می‌توانست از همان ابتدا این سؤال را مستقیماً از نایف بپرسد؛ ولی نویسنده ترجیح می‌دهد تا مخاطب با او همراهی کند. حس مشارکت در زنان، یکی از مؤلفه‌های نوشتار زنانه است که در این رمان نیز کاملاً مشهود است.

۳-۲-۲. حذف جمله و کاربرد جمله‌های ناتمام

قطع کلام همیشه یک رفتار منفی محسوب نمی‌شود؛ بلکه در برخی موارد برای هم‌پوشانی گفتار و حمایت از گوینده صورت می‌گیرد؛ بنابراین می‌توان دو نوع قطع کلام را متصور شد: «قطع کلام جهت تفوق بر گوینده که آن را قطع کلام سلطه‌گرانه می‌نامند و قطع کلام جهت هم‌گفتاری و تایید گوینده که به آن قطع کلام حمایتی می‌گویند.» (جان‌نژاد، ۱۳۸۰: ۱۰۵-۱۰۶)

به دلیل گستردگی استفاده نویسنده از چند نقطه (...) و عدم اطمینان ما از قصد نویسنده در به کار بردن آن، در این مقاله سعی شده است تا به بررسی جمله‌های نیمه‌تمام پرداخته شود؛ چه‌بسا در جملات نیمه‌تمام، هدف نویسنده آشکار باشد. با بررسی صورت‌گرفته در مورد جملات نیمه‌تمام، در مجموع، (۵۳ مرتبه) این‌گونه از جملات در داستان «حجرالضحک» نمود یافته‌اند که این جملات (۳۲ مرتبه) از زبان نویسنده و شخصیت زن و (۲۱ مرتبه) از زبان شخصیت‌های مرد بیان شده است؛ در هر حال، این بررسی با آنچه زبان‌شناسان در خصوص ناتمام ماندن کلام زنان مطرح کرده‌اند، همخوانی دارد.

«نعم یا نایف أنا مریض. وهذا البلد ليس بلدین، وأنت غير مهم، وناجی...» (برکات، ۱۹۹۸: ۶۶) / «دخلوا معابدهم جذلین مهللین و...أحرقوا أنفسهم لكي یبقی رمادهم مستقلاً حراً.» (همان: ۱۳۲)

آنچه در این رمان مشاهده شد، استفاده فراوان نویسنده از جملات ناتمام بود که از این جهت، طبق اصول مؤلفه‌های نوشتار زنانه پیش رفته است. نویسنده در استفاده از چند نقطه و ناتمام گذاشتن جمله‌ها، چند هدف دارد؛ شاید می‌خواهد ادامه مطلب را به دست خواننده بسپارد تا خواننده ادامه داستان را به دست گیرد و شاید با آوردن جمله‌های نیمه‌تمام، قصد دارد متن را از یکنواختی در بیاورد و به خواننده فرصتی کوتاه دهد تا خود را با نویسنده همراه کند؛ به هر روی، در تمامی این موارد این‌گونه به نظر می‌رسد که زنان با هدف تصدیق‌گری و حمایت از طرف مقابل، سخن را نیمه‌تمام رها می‌کنند و نویسنده به نوعی خواسته است، مشارکت و همدلی خواننده را با خود داشته باشد. گویی زنان در هیچ موردی دوست ندارند تنها باشند.

۴-۲-۲. کاربرد زبان آمرانه

مطالعات انجام شده در خصوص زبان و جنسیت نشان می‌دهد که مردان بیشتر از زنان، از زبان آمرانه استفاده می‌کنند. مردان با به کاربردن جملات امری، در پی کنترل گفتگو، حفظ استقلال، افزایش اعتبار، کسب برتری در مکالمه و پاسخ‌دهی کمتر هستند. جملات امری زنان بیشتر به شکل تعدیلی یا امر غائب است و این گونه سعی می‌کند تا حس مشارکت و هم‌دلی بین خود و مخاطب به وجود آورند. (بهمنی مطلق و مروی، ۱۳۹۳: ۱۵)

در رمان «حجر الضحک»، نویسنده در مجموع، (۱۲ مرتبه) از افعال امری بهره برده است که در مقایسه با کاربرد افعال دیگر، رقم چندان بالایی نیست. افعال امری در این داستان، (۸۲ مرتبه) از زبان شخصیت مرد و (۳۰ مرتبه) توسط شخصیت زن به کار برده شده است که این آمار نشان می‌دهد مردان در کلام خود بیشتر رویکرد رقابتی دارند، گویی همیشه می‌خواهند به نوعی اقتدار خود را نشان دهند.

سعید: «أوصله وعُد بسرعة عندنا شغل.» (برکات، ۱۹۹۸: ۳۴) / کلود: «قالت كلود لنايف دعه ينم هنا.» (همان: ۳۴) / نایف: «لكن يا خليل اسمعني جيداً...» (همان: ۶۰) / خليل: «اطلعي إلى البيت ليس الأمر كما تعتقدين.» (همان: ۲۴۳)

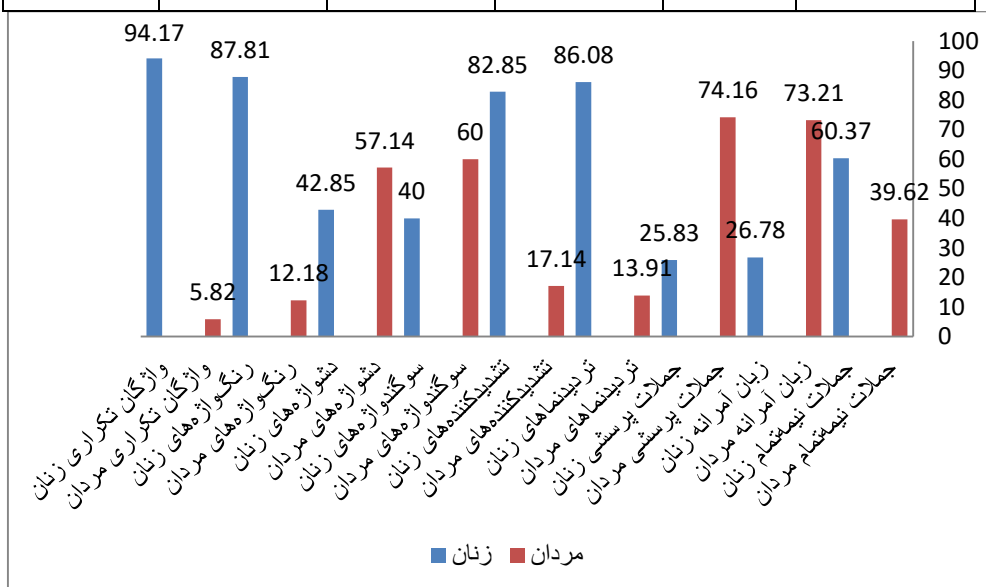
زبان آمرانه در مردان، به دلیل شخصیت سلطه طلب و رقابت‌گرای آن‌هاست؛ اما نکته جالب و حائز اهمیت این است که شخصیت اصلی، هرگز زبان عامرانه به کار نمی‌برد؛ این موضوع با شخصیت اولیه قهرمان داستان که شخصی ترسو، محتاط و دارای صفات زنانه است، کاملاً همخوانی دارد؛ ولی از مرحله دوم زندگی که شخصیت او بسیار تغییر می‌کند، کلام او نیز با افعال امری بیشتری همراه می‌شود که تغییر شخصیت او حتی در کلامش نیز هویداست.

«کلود» از جمله شخصیت‌های زن داستان است که چند نوع جمله امری به کار می‌برد؛ به این دلیل که وی از جمله شخصیت‌هایی است که پا به پای مردان در امور سیاسی فعالیت می‌کند و هیچ محدودیتی برای کار خود قائل نیست. شاید یکی از دلایل اصلی رفتار و کلام آمرانه کلود، زندگی در فرانسه است، محیطی که در آن، بیرون آمدن زن از محیط خانه امری عادی تلقی می‌شود و به همین سبب، گفتار و کردار کلود، بیشتر به مردان شباهت دارد.

با توجه به مطالب ارائه شده، واضح است که زبان زنانه همراه با تردید و احتیاط و بر اساس زبان معیار، فقط برآمده از تفاوت عواطف و خلجان‌ات روحی و قلبی آن‌ها نیست؛ بلکه قسمت بزرگی از این زبان، برآیندی از نقشی است که جامعه، فرهنگ، اعتقادات و باورهای دینی و اجتماعی بر عهده آنان گذاشته است که قطعاً با تغییر نقش و جایگاه اجتماعی زنان، می‌توان شاهد بروز زبانی دیگرگون بود. نمود مؤلفه‌های بررسی شده در جدول و نمودار زیر، قابل مشاهده است:

جدول (۱) کاربرد موارد اختلاف زبان زنان و مردان

جنسیت متغیرها	زن	درصد	مرد	درصد	مجموع
واژگان تکراری	۱۰۶۸	۹۴/۱۷	۶۶	۵/۸۲	۱۱۳۴
رنگ واژه‌ها	۱۷۳	۸۷/۸۱	۲۴	۱۲/۱۸	۱۹۷
دشوآژه‌ها	۱۲	۴۲/۸۵	۱۶	۵۷/۱۴	۲۸
سوگندواژه‌ها	۲	۴۰/٪	۳	۶۰/٪	۵
تشدیدکننده‌ها	۲۶۱	۸۲/۸۵	۵۴	۱۷/۱۴	۳۱۵
تردیدنماها	۹۹	۸۶/۰۸	۱۶	۱۳/۹۱	۱۱۵
جملات پرسشی	۶۲	۲۵/۸۳	۱۷۸	۷۴/۱۶	۲۴۰
زبان آمرانه	۳۰	۲۶/۷۸	۸۲	۷۳/۲۱	۱۱۲
جملات نیمه تمام	۳۲	۶۰/۳۷	۲۱	۳۹/۶۲	۵۳



نمودار (۱) فراوانی اختلاف زبان زنان و مردان

نتیجه

در تبیین چگونگی کاربست مؤلفه‌های واژگانی در رمان، باید گفت که نویسندگان تمایل زیادی به کاربرد واژگان تکراری از خود نشان داده است. کاربرد فراوان رنگ‌واژه‌ها، از طرفی دقت و ظرافت زنانه و از سویی دیگر، جزئی‌نگری زنان را نشان می‌دهد. زنان برای هر چیزی، توصیفی دقیق ارائه می‌دهند و بیشتر به جزئیات رنگ‌ها دقت می‌کنند. استفاده از دشوآژه‌ها، کاربرد چندانی ندارد که نویسندگان از این نظر، طبق نظر زبان‌شناسان پیش رفته است. جامعه و فرهنگ، استفاده از گونه‌های زبانی معتبر را برای زنان پسندیده

می‌داند و نویسنده هم سعی داشته تا طبق عرف پیش رود و از آن عدول نکند. به واسطه اعتماد به نفس پایین زنان، استفاده زیاد از تردیدنماها و تشدیدنماها موجب شده است تا زبان رنگ و بوی عدم قطعیت به خود بگیرد؛ البته مشارکت و هم‌دلی زنان هم می‌تواند دلیل دیگری برای استفاده از تردیدنماها باشد. زنان برای قوی‌تر نمودن بار معنایی کلمات، سخن خود را با تشدیدکننده‌ها همراه می‌سازند تا کلام آن‌ها از جانب جامعه، مورد پذیرش قرار گیرد؛ نکته قابل توجه این است که نویسنده در تمامی این موارد، کاربرد این گونه از زبان را از جانب شخصیت مرد و زن، به خوبی رعایت کرده است.

در سطح نحوی، کاربرد فراوان جملات کوتاه و ناتمام می‌تواند به سبب دو ویژگی مهم جزئی‌نگری و هم‌دلی و مشارکت زنان باشد. زبان آمرانه در این رمان به نسبت دیگر جملات خبری و پرسشی، چندان مشهود نیست، بیان این نوع زبان از جانب شخصیت مرد، خود دلیلی است بر شخصیت سلطه‌طلب و رقابت‌گرایی مردان. جملات پرسشی هم طبق اصول مؤلفه‌های نوشتار زنانه پیش رفته است، تنها نویسنده ترجیح می‌دهد این گونه جملات بیشتر از جانب شخصیت مرد بر زبان جاری شود تا زن؛ البته الگوهای پرسشی مردان، نشان از کلام رقابتی آنان دارد، به جزء قسمتی از داستان که قهرمان اصلی داستان از شیوه خودپرسشگری استفاده کرده است که همین مسأله، سبب شده است کلام رنگ و بوی مشارکتی به خود بگیرد که این نوع کلام، کاملاً منطبق است با روحیه زنانه قهرمان داستان.

در مورد ارتباط زبان رمان و موضوع جنگ نیز باید گفت که برخلاف آن چه تصور می‌شود، واژگان تکراری اثر، مربوط به وقایع جنگ و توپ و تانک و بمباران نیست؛ بلکه از زاویه جدیدی به موضوع جنگ و پیامدهای آن نگریسته شده است. به نظر می‌رسد نقشی که جامعه و فرهنگ نویسنده به زنان داده است، بیشتر در چارچوب خانه و خانواده تعریف می‌شود که محور اصلی هویت آنان را تشکیل می‌دهد؛ از این رو نویسنده توانسته است مؤلفه‌های نوشتار زنانه خود را حفظ کند؛ درواقع نویسنده به دشواری‌های جنگ از منظری دیگر و به شیوه‌ای نو نگریسته است. گویی زنان تمایل چندانی به سنت‌شکنی ندارند و ترجیح می‌دهند طبق عرف جامعه پیش بروند و از آن عدول نکنند که همین ویژگی زنان، سبب شده تا در گزینش گونه زبانی نیز محتاطانه عمل کنند و آن گونه سخن بگویند که عرف و جامعه آن را می‌پسندد؛ پس می‌توان گفت این جامعه و فرهنگ است که محدوده هویت‌های جنسی را تعیین می‌کنند. ماهیت و جوهره جنسیت، ناشی از رفتارهای اجتماعی و جهت‌گیری‌ها و توقعاتی است که رفتارهای اجتماعی را شکل داده و از آن‌ها حمایت می‌کند؛ به عبارتی ساده‌تر، ساختار زبان از باورها و ارزش‌ها سرچشمه می‌گیرد.

منابع

منابع عربی

- أحمد محلم، ابراهیم، (۲۰۱۶م)، *الأثرية في الأدب (النظرية والتطبيق)*، الأردن: عالم الكتب الحديث.

- برکات، هدی، (۱۹۹۸م)، **حجرالضحک**، الطبعة الثانية، القاهرة: آفاق الكتابة.
- راغب، نبیل، (۲۰۰۳م)، **موسوعة النظريات الأدبية**، الطبعة الأولى، بیروت- لبنان: نشر لونجمان.
- روشنفکر، اکرم، (۲۰۱۳م)، «الراوي وحواریة فی حجر الضحک»، مجلة العلوم الانسانية الدولية، العدد ۲۰ (۲)، صص ۴۹-۶۷.
- سلدن، رامان، (۱۹۹۸م)، **النظرية الادبية المعاصرة**، ترجمة جابر عصفور، بیروت: دار القباء للطباعة والنشر والتوزيع.
- سواری، فائزه و دیگران، (۱۳۹۹ش)، «تجلیات النسوية ولغتها فی أعمال کولیت خوری (لیلة واحدة وأیام معه) و منیر روانی بور (دل فولاد وکولی کنار آتش)»، إضاءات نقدية، السنة العاشرة، العدد السابع والثلاثون، صص ۱۰۳-۱۳۰.
- عمري، سعيد، (۲۰۰۹م)، **الرواية من منظور نظرية التلقي**، الطبعة الأولى، فاس: مطبعة آنفو.
- محمودخلیل، إبراهیم، (۲۰۰۳م)، **النقد الأدبي الحديث: من المحاکاة إلى التفکیک**، الطبعة الأولى، عمان: دار المسيرة للنشر والتوزيع.
- یوسف عبدالرحمن العلی، فاطمة، (۲۰۱۳م)، **النص المونث وحالات الساردة، دراسة تحليلية لخطاب المرأة فی الرواية العربية**، الطبعة الأولى، الكويت، آفاق للنشر.

منابع فارسی

- بهمنی مطلق، یدالله؛ مروی، بهزاد. (۱۳۹۳). «**رابطه زبان و جنسیت در رمان شب های تهران**»، دوفصلنامه زبان و ادبیات فارسی، سال ۲۲، شماره ۷۶: صص ۷-۲۶.
- جان نژاد، محسن. (۱۳۸۰). **زبان و جنسیت، پژوهش زبان شناختی اجتماعی؛ تفاوت های زبانی میان گویشوران مرد و زن ایرانی در تعامل مکالمه ای**، رساله دکتری، زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه تهران.
- حسن زاده دستجردی، افسانه و سیدمصطفی موسوی راد. (۱۳۹۳)، «**تحلیل دو رمان پرنده من و ماهی ها در شب می خوابند، بر اساس مؤلفه های نوشتار زنانه**»، پژوهش نامه نقد ادبی و بلاغت، دوره ۳، شماره ۱: صص ۵۱-۷۱.
- روشنفکر، کبری و دیگران. (۱۳۹۲). «**بررسی گونه کاربرد زبان زنانه در مرثیه معاصر (با تاکید بر مرثیه های سعاد صباح)**؛ فصلنامه جستارهای زبانی، شماره ۴ (پیاپی ۱۶): صص ۱۱۱-۱۳۶.
- روشنفکر، اکرم؛ قربانی، فاطمه. (۱۳۹۱). «**سبک هدی برکات در روایت جنگ (بررسی داستان حجرالضحک)**»، مجلة انجمن زبان و ادبیات عربی، دوره ۸، شماره ۲۴: صص ۱۶۵-۱۹۶.
- ----- (۱۳۸۹)، **بررسی سبک هدی برکات در داستان حجرالضحک**، پایان نامه ارشد رشته زبان و ادبیات عربی، دانشگاه گیلان.
- صیادی نژاد، روح الله. (۱۳۹۵). «**بررسی جایگاه اجتماعی و فرهنگی زن دیروز عرب در ساختارها و لایه های صوری زبان عربی**»، مجلة ادب عربی، شماره ۱، سال ۸: صص ۲۲۱-۲۴۱.

- غیبی، عبدالاحد؛ بدخشان، رویا. (۱۳۹۵)؛ «واکاوی تکنیک‌های داستانی در رمان فمینیستی «بروکلین هایتس» اثر میرال الطحوی»، فصلنامه لسان مبین، سال هفتم، دوره جدید، شماره ۲۴: صص ۸۵-۱۰۸.
- فتوحی، محمود. (۱۳۹۲). سبک‌شناسی (نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها)، چاپ دوم، تهران: سخن.
- قربان‌پور، حسین؛ اشکبوس ویشکایی، رقیه. (۱۳۹۵). «بررسی ویژگی‌های نوشتار زنانه در دو رمان بامداد خمار و چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم»، فصلنامه پژوهش‌های ادبی و بلاغی، سال چهارم، شماره ۱۵: صص ۷۱-۹۴.
- کالوه، لویی ژان. (۱۹۹۶). درآمدی بر زبان‌شناسی اجتماعی؛ ترجمه محمدجعفر پوینده، تهران: نقش جهان.
- لاند، نیک. (۱۳۸۸). زبان و تفکر (روان‌شناسی شناختی)؛ چاپ دوم، ترجمه داود کرمی، تهران: ساوالان.
- لپیز، هیلاری ام. (۱۳۹۳). روان‌شناسی زن از نگاهی نو: جنسیت، فرهنگ، قومیت؛ چاپ اول، ترجمه فاطمه باقریان، تهران: انتشارات دانشگاه شهیدبهشتی.
- ماتلین، مارگارت دبلیو. (۱۳۹۰). روان‌شناسی زنان؛ ترجمه شهناز محمدی، چ اول، تهران: نشر روان.
- محمودی بختیاری، بهروز و مریم دهقانی. (۱۳۹۲). «رابطه زبان و جنسیت در رمان فارسی: بررسی شش رمان»؛ زن در فرهنگ و هنر، دوره پنجم، شماره ۴: صص ۵۴۳-۵۵۶.
- مگی، هام. (۱۳۸۲). فرهنگ نظریه‌های فمینیستی؛ ترجمه فیروزه مهاجر، فرخ قره‌داغی و نوشین احمدی، تهران: انتشارات توسعه.
- نجفی عرب، ملاح. (۱۳۹۴). زبان و جنسیت در رمان؛ تهران: نشر علم و دانش.
- نجفی عرب، ملاح؛ بهمنی مطلق، یدالله. (۱۳۹۳). «کاربرد واژگان در رمان شازده احتجاب از منظر زبان و جنسیت»؛ فصلنامه تخصصی تحلیل و نقد متون زبان و ادبیات فارسی، شماره ۲۰: صص ۱۲۱-۱۴۲.

منابع لاتین

Lakoff, R. (1990). Extract from language and woman's place. In D.Cameron (Ed.). The Feminist critique of language: A reader (pp.221-234). London & New York: Routledge.

References

Arabic References

- Ahmad Mohallem, Ibrahim (2016), *Al-Anthawiyah Fi Al-Adab* (Theory and Application), Jordan: Alam Al-Kitab Al-Hadith.
- Barakat, Hoda (1998). *Hajar Al-Dak*, Second edition, Cairo, Afagh Al-Ketabah.
- Ragheb, Nabil, (2003), *Mosoua Al-Nazariay Aladabyya*, First Edition, Beirut - Lebanon: Lunjman Publication
- Roshanfekar, Akram, (2013), *Al-Rawi Wa Hawariyya Fi Hajar Al-Dahk*, Journal of State Humanities, 20 (2): 49-67.
- Salden, Raman, (1998), *Al-Nazryya Al-Adabyya Al-Moaseriyya*, Trans. Jaber Asfour, Beirut: Dar Al-Quba Printing and Publication.
- Savari, Faezeh et al. (2020), *Tajalliat Al-Nesaviyya Wa Loghatha Fi A'mal Kolut Khor*, Monir Ravanibour, *Eza'at Naghdiya*, 78(10):103-130.
- Omri, Saeed, (2009), *Al-Raviyya Min Manzour Nazariyya Al-Talagha*, First edition, FAS, Anfou Publication.
- Mahmoud Khalil, Ibrahim (2003), *Al-Naghd Al-Adabi Al-Hadis: Min Mohakat Ela Al-Tafkik*, First edition, Oman, Dar Al-Masira Publication and Distribution.
- Youssef Abdul Rahman Al-Ali, Fatima (2013), *Al-Nas Al-Moannas Wa Halat Al-Sardah, Derasah Tahliliyya Lekhatab Al-Marat Fi Al-Rawiyya Al-Arabiyya*, First edition, Kuwait, Afagh Publication

Persian References

- Bahmani-Motlagh, Yadollah & Behzad Marvi, (2014). "The Relationship between Language and Gender in the Novel of *Tehran Nights*", *Bi-Quarterly Journal of Persian Language and Literature*, 22(76): pp. 7-26.
- Jan-Nejad, Mohsen. (2001). *Language and Gender, Social Linguistic Research; Linguistic Differences Between Iranian Male and Female Speakers in Dialogue Interaction*, PhD Thesis, English Language and Literature, University of Tehran.
- Hassanzadeh Dastjerdi, Afsaneh & Seyed Mostafa Mousavirad. (2014), "Analysis of two Novels *"My Bird and the Fish Sleep at Night"*, Using the feminine Writing Components", *Journal of Literary Criticism and Rhetoric*, 3(1):51-71.
- Roshanfekar, Akram & Fatemeh Ghorbani (2010), *Review of Hoda Barakat's Style in the Story of Hajar Al-Dahk*, M.A. Thesis in Arabic Language and Literature, University of Gilan.

- Roshanfekar, Akram & Fatemeh Ghorbani (2012). Hoda Barakat's Stylistics in War Narrations (Review of Hajr Al-Dahk)"; Journal of the Association of Arabic Language and Literature, 8(24): 165-196.
- Roshanfekar, Kobra et al. (2013). Review of the Applied Use of Women's Language in Contemporary Elegy (Emphasis on Sa'ad Sabah's Elegies"; Linguistic Essays Quarterly, No. 4 (16th consecutive): 111-136
- Sayyadi-Nejad, Rouhullah (2016). Review of the Social and Cultural Place of the old Arab woman in the Formal Structures and Layers of the Arabic language"; Journal of Arabic Literature, 1(8): 221-241.
- Gheibi, Abdul Ahad & Roya Badakhshan (2016); "Study of Fictional Techniques in the Feminist Novel" Brooklyn Heights "by Miral Al-Tahawi", Lisan Mobin Quarterly, 7(24): 85-108.
- Fotouhi- Mahmoud (2013). Stylistics (Theories, Approaches and Methods), Second Edition, Tehran: Sokhan.
- Ghorbanpour, Hossein & Roghayeh Ashkbous-Vishkaei (2016). "A Review of Female Writing Features in Novels of Hung Over Morning and I Turn Off the Lights", Quarterly Journal of Literary and Rhetorical Research, 4(15): 71-94.
- Kalveh, Louis Jean. (1996). Introduction to Social Linguistics; Trans. Mohammad Jafar Pouyandeh, Tehran: Naghsh-e-Jahan
- Land, Nick. (2010). Language and Thinking (Cognitive Psychology); Second Edition, Trans. Davood Karami, Tehran: Savalan.
- Leiptze, Hillary M. (2014). Feminine Psychology from a New Perspective: Gender, Culture, Ethnicity; First Edition, Trans. Fatemeh Bagherian, Tehran: Shahid Beheshti University Press.
- Matlin, Margaret W. (2011). Feminine Psychology; Trans. Shahnaz Mohammadi, Vol, I. Tehran: Ravan Publication
- Mahmoudi Bakhtiari, Behrouz & Maryam Dehghani. (2013). "The Relationship between Language and Gender in Persian Novels: A Review of Six Novels"; Women in Culture and Art, 5(4): 543-556.
- Maggie, Ham. (2003). Dictionary of Feminism Theories; Trans. Firoozeh Mohajer, Farrokh Gharadaghi and Noushin Ahmadi, Tehran: Tose'e Publications.
- Najafi Arab, Malahat & Yadollah Bahmani Motlagh. (2014). Usage of Words in the Prince of Ehtejab Novel from the Perspective of Language and Gender"; Specialized Quarterly of Analysis and Critique of Persian Language and Literature Texts, 20: 121-142.
- Najafi Arab, Malahat. (2015). Language and Gender in Novel; Tehran: Science and Knowledge Publication.

English References

- Lakoff, R. (1990). Extract from language and woman's place. In D.Cameron (Ed.). The Feminist critique of language: A reader (pp.221-234). London & New York: Routledge.

الكتابة النسوية ولغتها في رواية "حجر الضحك" لهدى بركات *

عليرضا شايخي^{١*}، نرگس أنصاري^٢، مونس شاملي^٣

^{١*} أستاذ مشارك في قسم اللغة العربية وآدابها بجامعة الإمام الخميني الدولية، قزوین، ایران

^٢ أستاذة مشاركة في قسم اللغة العربية وآدابها بجامعة الإمام الخميني الدولية، قزوین، ایران

^٣ ماجستير في قسم اللغة العربية وآدابها بجامعة الإمام الخميني الدولية، قزوین، ایران

معلومات المقالة الملخص

الأدب النسوي أو أدب المرأة هو من أهم الموضوعات في النقد الأدبي المعاصر، الذي ظهر بعد انطلاق حركة النساء الداعية للمساواة بين حقوق المرأة والرجل في منتصف القرن العشرين. يرى أنصار هذه الحركة من النساء أن الرجال ليس بمقدرتهم تمثيل التجارب النسوية في أعمالهم، مما دفع النساء بالقول أن التعبير عن هذه التجارب بلغتهن أنفسهن أمرٌ ضروريٌّ وأن كيفية الكتابة عند المرأة تختلف عن كتابة الرجل في الأسلوب واللغة إلى جانب نوع التعبير عن الموضوعات. يسعى هذا البحث عبر المنهج الوصفي والتحليلي والإحصائي إلى دراسة مكونات الكتابة النسائية في رواية حجر الضحك للكاتبة هدى بركات في مستويي المعجمي والنحوي. من نتائج البحث أن الكاتبة بركات تشكل الأسلوب الكتابي عندها في مستوى الكلمات عبر استخدامها الكلمات المؤكدة والمثيرة للشك منها والمتكررة وذات الطابع اللوني و في المستوى النحوي قامت باستخدام الجمل البسيطة والقصيرة والمتوازية، والجمل غير المتكاملة والاستفهامية منها بشكل المونولوج. وعلى الرغم من أن بركات كتبت روايتها في مجال أدب الحرب، إلا أنها تمكنت من الحفاظ على مكونات الكتابة النسوية. ولقد لعبت الهوية المفقودة للنساء في المجتمع دوراً مهماً في تكوين اللغة الخاصة للرواية وقد يكون أساس مكونات الكتابة النسوية نتيجة لفقدان هوية المرأة هذه.

نوع المادة:

مقالة محكمة

تاريخ الوصول:

١٣٩٩/٠٩/٢٥

تاريخ القبول:

١٤٠٠/٠٢/١٢

الكلمات المفتاحية: الكتابة النسوية، اللغة والجنس، هدى بركات، حجر الضحك.

الافتباس: : شايخي، عليرضا؛ أنصاري، نرگس؛ شاملي، مونس. (١٤٠١). الكتابة النسوية ولغتها في رواية «حجر الضحك» لهدى بركات،

مقالة محكمة، السنة الرابعة عشرة، الدورة الجديدة، العدد الخمسون، شتاء ١٤٠١: ١١٧-١٤٠.



المعرف الرقمي: 10.30479/lm.2021.14732.3167

الناشر: جامعة الإمام الخميني (ع) الدولية حقوق التأليف والنشر © المؤلفون.